

میراث مکتب اصفهان، دستاورد عظیم ایرانیان (مدخلی بر شناخت ویژگیهای برنامه ریزی فضایی - مکانی مکتب اصفهان و جنبش نرم افزاری برای بازتولید مکتب تمدن ساز)

وحید توسلی^{۲۵۹}

چکیده

مکتب دانایی محور و حکمت بنیان اصفهان دستاورد عظیم متعلق به ایرانیان است که در عرصه‌های فلسفه، هنر، معماری و شهرسازی ظهور پیدا کرده و به عبارتی تلفیق استادانه همه این عرصه‌ها و زمینه‌هاست. این مکتب «تنها و آخرین مکتب در سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی تا قبل از دوران معاصر بوده» که هدف از این جستار و نوشتار یافتن نشانی، مبانی و بیانی برای رسیدن به آینده ای بالنده تر و سازنده تر خواهد بود. همچنانکه خود مکتب اصفهان با «جمع بندی دقیق از اشکال و تجربه گذشته و تلفیق ماهرانه آن با اوضاع و احوال جدید [روزگار خود] در ضمن اعتلای روال سنتی و کهن» پدید آمده است. البته باید گفته شود که این تکامل و نقطه اوج دوره هفتصد ساله (از قرن سوم تا قرن دهم هجری قمری)، تنها «باز تولید» سر و ساده مفاهیم کهن نیستند بلکه ابداع مجدد و نوزایی مفاهیم را در برداشته است. استخراج این معدن و میراث و به روزآوری آن‌ها در راستای جنبش نرم افزاری برای بازتولید دانش تمدنی و نوآوری بر اساس مکتب اصفهان از آن جهت اهمیت دارد که ضمن واجد بودن ارزش‌های هویتی در زمان خود، الگوی موفق و پیشتاز بوده که در زمان کنونی و پس از چند قرن هنوز پویاست و زندگی مردم معاصر با آن پیوند دارد و در آن جاری است.

واژه‌های کلیدی: شیوه، سبک، مکتب، تمدن

۱. مقدمه

شواهد بر این گواه دارند که طرح جامع صفوی آغاز هزاره یازدهم به صورت طرحی آرمانی فکر شد و چنین نیز تحقق یافت. اصفهان پیش از آن دو مرحله مهم را پشت سر گذاشته بود تا قادر به پذیرش این مرحله از پیش فکر شده تحول آفرین گردد. هر چند طرح صفوی ملهم از تجربیات ایرانی - اسلامی پیش از خود است، به دلیل نوآوری‌ها و ویژگیهایش طرحی استثنایی در تاریخ شهرسازی ما به

^{۲۵۹}. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز،

tavassoli.vahid@gmail.com

شمار می‌آید. پدیدآورندگان این طرح در آفریده خود به دو محور مهم توجهی هوشیارانه داشتند: فرهنگ و طبیعت. (شیرازی، ۱۳۸۷، ۴)

از جمعیت اصفهان عصر صفویه اطلاعات ضد و نقیضی در دست است: تاورنیه فرانسوی محیط شهر اصفهان به انضمام محلات خارج شهر را کوچک‌تر از پاریس نمی‌داند ولی جمعیت آن را کمتر می‌داند. [تراکم کمتر و اختصاص فضای باغ به هر خانه]. شاردن فرانسوی این شهر را پر جمعیت‌ترین شهر جهان دانسته و نفوس اصفهان را بالغ بر یک میلیون برآورد کرده است. بعضی محققین جمعیت آن را ششصد هزار نفر می‌دانند. البته درباره تعداد ابنیه و عمارات به تقریب اتفاق و مشابهت است، شماره ساختمان‌ها بالغ بر ۳۸۴۰۹ در داخل شهر و ۸۷۸۰ خارج شهر. البته جمعیت موقت شهر شامل افراد مسافر و غیر بومیان - که برای انجام معاملات تجاری به این شهر می‌آمدند - می‌شد لذا جمعیت بازار و گذرهای اصلی شهر همیشه زیاده‌تر از سایر نقاط شهری بود و [چه بسا] این امر موجب می‌شد که سیاحان خارجی جمعیت اصفهان را اغلب بیش از آنچه بوده تخمین بزنند. البته شاردن در جایی دیگر جمعیت اصفهان را به قدر لندن می‌داند. (پر جمعیت‌ترین شهر زمان اروپا و حدود چهارصد هزار نفر). (شفقی، ۱۳۸۱: ۵۲۲-۵۱۷)

۲. مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری شهر اصفهان:

در ساخت شهر اصفهان علاوه بر اجزا و عناصر کالبدی که محیط مصنوع را شکل می‌دهند، مؤلفه‌های مادی و معنوی تأثیر گذارند که در دو مقیاس کلی و جزئی موجب شکل‌گیری صورت و معنای شهر اصفهان می‌شوند.

مؤلفه‌ها و چهار نظم مادی (زمینی): آب، خاک، گیاه و هوا ارتباط پدیده مصنوع را با عوالم ماده و مثال می‌سازند. نظم‌های آب و هوا مظهر عالم مثال و نظم‌های خاک و گیاه مظهر عالم ماده. و نظم معنایی (آسمانی): نظم مقدس مظهر عالم ملکوت.

این نظم‌های چهار گانه خود سایه ای از نظم کیهانی مقدس هستند و معانی ای را حاضر می‌کنند که بر عالم ملکوت دلالت می‌کند. بدین ترتیب ضمن آنکه فضای مصنوع و طبیعی به وحدت می‌رسند این محیط موجب تعالی نیز می‌گردد.

۳. شکل‌گیری مکتب:

تشکیل دولت صفوی در قرن دهم هجری (۱۷ میلادی) سبب می‌گردد تا حیات عقلی شیعی به اوج خود برسد، تشیع اثنی عشری به هویت سیاسی و فرهنگی مستقلی دست یابد و این هویت و شخصیت را به عنوان خمیر مایه فرهنگی همه شوون زندگی خود قرار دهد. این حکمت که در سراسر عصر صفوی در عراق، سوریه و هندوستان، که پیوندهای بسیار نزدیک با ایران داشتند رواج یافت، اجمالاً



مکتب اصفهان نامیده می‌شود. اندیشمندان و بانیان مکتب با آموزه‌هایی نظیر: اتحاد عرفان، فلسفه و دین؛ اصالت وجود و سلسله مراتب وجودی؛ حرکت جوهری؛ عالم مثال یا آرمان شهر؛ حکمت متعالیه و... عبارت‌اند از: زین الدین بن علی بن احمد حبایی؛ شهید ثانی، میرداماد؛ معلم ثالث، محقق کرکی، میرفندرسکی، ملاصدرا، شیخ بهایی، فیض کاشانی، ملاً هادی سبزواری، محمدتقی و محمد باقر مجلسی. از جمله محققان و اطلاق کنندگان اولیه واژه مکتب اصفهان می‌توان این افراد را برشمرد: هانری کربن، آشتیانی، سید حسین نصر.

مرکز این حکمت نه تنها اصفهان، پایتخت صفویان، بلکه شهرهایی همچون شیراز، کاشان، قزوین و تبریز بوده است. برنامه ریزی، طراحی و اجرای شار جدید اصفهان به مدت ۲۵ سال، بیانی روشن از نمادگرایی مفاهیم معنوی و سازمان دهی فضایی و کالبدی آن است. این بیان فضایی و نمادگرایی چنان محکم، روشن و ظریف است که بی هیچ تردیدی، در زمینه هنر شهرسازی مکتبی را پایه می‌گذارد که بنا به خاستگاه حکمی و فلسفی‌اش، می‌توان آن را مکتب اصفهان نامید و آن کسی که شاید در شهرسازی چنین مکتبی را پایه نهاد، کسی نبود جز شیخ بهاء‌الدین عاملی (شیخ بهایی) که بر آن شد تا سایه ناکجا آبادهای اساطیری، مذهبی و فلسفی را بر زمین نقش زند. (حبیبی، ۱۳۸۸: ۴)

بسیاری از پژوهشگران، همان گونه که در مورد رشته‌های دیگر هنر معتقد به ارتباطی روشن و انکار ناپذیر بین مبانی هنری و آموزه‌های حکمی و فلسفی مکتب الهی اصفهان بوده‌اند، در مورد معماری و شهرسازی نیز به وجود چنین رابطه‌ای قائل‌اند. (اهری، ۱۳۸۵: ۴۲) با توجه به مفهوم مکتب و نحوه کاربرد آن در طبقه بندی دوره‌ها یا شیوه‌های معماری و شهرسازی، می‌توان اطلاق واژه "مکتب شهرسازی اصفهان" را معتبر دانست.

۴. تعریف واژگان کلیدی:

سبک^{۲۶۰} (شیوه): زبان، بیان و اسلوب هنری؛ گویش فنی معماری و شهرسازی؛ منزلت آثار، فضاها و عناصر شهری و در یک کلام الگو و ارزش‌های فضای را شاید بتوان سبک نامید که در حد کمال، استواری و تعالی مکتب نیست. البته گاهی معنای عام تری از این واژه (نه در کنار مکتب) استفاده می‌شود. مثلاً استاد محمد کریم پیر نیا به طور کلی هنر و معماری در جهان پهناور اسلام را دارای چهار شیوه بنیادی می‌دانند.

۱- شیوه مصری (شرق آفریقا، مصر، سودان و کشورهای پیرامونی تا حجاز)

۲- شیوه شامی (سوریه، فلسطین، لبنان و اردن و بخشی از ترکیه)



۳- شیوه مغربی (مراکش، الجزایر و جنوب اسپانیا)

۴- شیوه ایرانی (عراق، ایران، افغانستان، پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان،... تا هند و اندونزی و همچنین پیرامون خلیج فارس)

و پس از شعبه‌های شیوه ایرانی شامل: پارسی، پارتی، خراسانی، رازی، آذری و نهایتاً اصفهانی می‌آورد: «شیوه اصفهانی آخرین شیوه معماری ایرانی است. [هر چند] خاستگاه این شیوه، شهر اصفهان نبوده ولی در آن جا رشد کرده و بهترین ساختمان‌های آن [کنار اندام‌های شهری مانند: چهارباغ، بازار و میدان امام] در این شهر ساخته شده‌اند. این شیوه در نوشته‌های غربی به شیوه صفوی، افشاری و زند - قاجار نامیده شده است.» (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۷۲)

مکتب^{۲۶۱}: روش علمی برای طبقه بندی اندیشمندان، هنرمندان و یا خود اندیشه‌هاست. به عبارت دیگر گروه یا توالی افرادی که در حوزه ای از اندیشه یا عمل پیرو استاد واحد هستند یا بر مبنای اصول و روش‌های عام مشابه متحد شده‌اند.

تمدن^{۲۶۲}: تمدن جلوه و تجلی عینی یک جهان بینی و تفکر و فرهنگ و دین (به معنای عام روش زیست) است. ظهور، اوج و افول یک تمدن نیز دقیقاً با ظهور باور، استحکام یا سستی آن نزد پیروان آن دین همراه و هماهنگ است.

آنچه که به تمدن تعبیر می‌شود عبارت است از مجموعه ای از انسان‌ها (جامعه) که با اتکا به فرهنگ و جهان بینی و عقاید هماهنگ و غالباً همسان، اجتماع و محیط و فضایی را بوجود آورده باشند که هویت هر جزان با هویت کل هماهنگ و همسو بوده و در جامعه جهانی به آن نام شناخته می‌شود با عنایت به معنای تمدن که مفهوم مدنیت و شهرنشینی را در خود مستقر دارد. مظاهر عینی تمدن‌ها از قبیل شهرها، عمارات، هنرها، صنایع و صناعات، که برای انسان و به ویژه برای سایر جوامع محسوس هستند، در احراز هویت تمدن‌ها نقشی غیر قابل انکار را ایفا می‌کنند. معمولاً مراد از دوره صفویه اشاره به رشد تفکر شیعی در تمدن ایرانی و ظهور آثار منبعث از این تفکر در پهنه ایران زمین و به ویژه در شهر اصفهان است. این آثار تمدنی، در عین مظاهر دنیایی خویش، بی گمان، منبعث از تفکری معنویت‌گرا و واجد معانی معنوی و در واقع تجلی کالبدی آرای هنرمندان و مهندسان شیعه ایرانی بودند. (نقی زاده، ۱۳۸۶: ۳۷۹-۳۷۷)

۵. پیشینه و رویکرد مطالعات در این زمینه

^{۲۶۱} School

^{۲۶۲} civilization

قبل از ورود به بحث مناسب خواهد بود نوع و رویکرد مطالعات پیرامون شهرسازی اصفهان مرور گردد:

۱- رویکرد تاریخی } بررسی توصیفی آثار و بناهای شهری (و نه بررسی رابطه فرم و معنا)

۲- رویکرد ریخت شناسانه (جستجوی محدود رابطه فرم و معنا)

۳- رویکرد فلسفی و دیدگاه‌های کلی و توصیف‌های معمارانه (و نه گونه شناسی عناصر شهری)

۴- رویکرد فرهنگی - اجتماعی و یا بررسی در بستر تحولات اقتصادی

۵- کاوش و یافته‌های باستان شناسی

بطور خلاصه این مطالعات عمدتاً در دو گروه ذیل قابل دسته بندی می‌باشند.

• گروه اول: صرفاً جنبه توصیفی و تشریح خصوصیات ظاهری اجزاء شهری (کمتر یا بدون تحلیل)

• گروه دوم: رابطه اشکال شهری و معانی موجود آن‌ها (کمتر یا بدون معرفی فرآیند ایجاد معانی)

اما آنچه برای رسیدن به هدف لازم خواهد بود: بررسی با استفاده از تئوری‌ها و روش‌هایی است که ضمن تحلیل و استخراج معیارها، اصول، مفاهیم و شاخص‌هایی را برای برنامه ریزی به دست دهد.

۶. مفاهیم و انگاره‌ها

شهرسازی مکتب اصفهان در پهنه جهان آن روزگاران معرف اقتدار دولت صفوی در مقابل دولت عثمانی و دولت‌های نوخاسته اروپایی است در بستر و زمینه وحدت اجتماعی کار، حضور مستقیم و همه جانبه دولت و همسانی‌های اجتماعی، اقتصادی در پهنه شهر و روستا و اینکه مکتب اصفهان آرمان‌های خویش را (عقاید مذهبی و معنوی، عشق و اشراق) تبلور کالبدی - فضایی می‌بخشد: الف - تعریف شدن شهر در منطقه (شهر در محیط پیرامونی خود مستحیل می‌گردد و در توافق کامل با طبیعت و روستاهای اطراف خود می‌باشد).

ب - ایجاد تاسیسات وزیر ساخته‌های فرا شهری (بازسازی جاده‌های بین قاره ای: ابریشم و ادویه؛ حفر شبکه‌های طویل قنات و کاریز؛ ساختن کاروانسراها و آب انبارهای بین جاده ای؛

ج - ایجاد و توسعه کانون‌های زیستی در کناره دریاها و رودها (اصفهان، رشت، بندر عباس و...)



د- احداث مجموعه‌های شهری جدید (نه بناهای منفرد) در کنار شهر کهن (با بیان هماهنگ فضاهای شهری و نه بازسازی و جراحی شهر قدیم).

ه - ارتقاء تولید ملی و صنایع (رشد صنعت نساجی و تولیدات کشاورزی)

اوج ایجاد خدمات و تأسیسات شهری (مراکز مذهبی، مساجد، بازارها، حمام‌ها، آب انبارها، پل‌ها، کاروانسراها، باغ‌ها، نهرها، ...) در مقیاس مجموعه و رده سلسله مراتبی و مکانی مطرح و ساماندهی می‌شوند و با رونق شهر گرایی و شهرنشینی: شهر ترکیبی از فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و بازرگانی و در ضمن مقر دیوانی و حضور دولت می‌گردد.

اجزاء معماری و عناصر شهری با رعایت دو شاخص:

۱- پرهیز از بناهای سلطه گر و یادمانی در عین حال مجموعه‌های با شکوه مردم وار و در تعامل هویتی با ایشان.

حکومتی و دیوانی

مذهبی

} جایگیری

}

۲- هر مجموعه زیستی (شهر و یا روستا) دارای یک میدان و یا مرکز ثقل می‌باشد:

۷. اصول مکتب شهرسازی اصفهان

مکتب اصفهان اصول و قواعدی را در طراحی به کارمیگیرد که قابلیت دارد تا در هر مکانی وزمانی ترکیب کلامی و بیانی درخور آن مکان وزمان داشته باشد و گویشی نو ارائه دهد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۰۳) بدین اعتبار این مکتب موفق می‌شود که دستگاه و نظامی را ارائه دهد که توانایی انطباق با دگرگونی‌های زمان و مکان را داشته باشد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۰۲)

درنگاه اول این اصول به دو دسته قابل تقسیم هستند:

❖ اصول عام (ناظر بر ابعاد فلسفی و حکمی)

❖ اصول خاص یا پایه زبان طراحی

برای تشخیص ویژگی‌های مکتب شهرسازی اصفهان، مانند مکاتب دیگر باید اصول و قواعدی که مبتنی بر آنها اجزا و عناصر شهری، سازمان یافته و ترکیب می‌شوند، تعیین گردند. (اهری، ۱۳۸۵: ۴۲) ۱- اصل سلسله مراتب در سطوح مختلف قضایی و عملکردی: هر فضای شهری یابنا، دارای درون و بیرون است. در درون، زیرنظم‌های خود را شکل می‌بخشد و در بیرون، از نظم‌های فراتر تأثیر می‌پذیرد

۲- اصل کثرت: فضای شهری روی به کثرت، تنوع و گوناگونی دارد در این کثیر شدن و گوناگونی هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزاء و عناصر هویت و معنای خویش را دارد. هر جزئی خود کلی می‌شود در مقایسه مربوط به خود.

۳- اصل وحدت: فضای شهری در انقباض خود روی به وحدت، یکسانی و همگونی دارد. در این جمع شدن و همسانی، کل دارای هویتی یگانه می‌شود. اجزاء و عناصر فارغ از چگونگی ترکیب در این هویت کلی زنگ می‌بازد و کل شخصیتی خاص ارائه می‌دهد.

۴- اصل تمرکز: هر فضا بانحوه تمرکز اجزایش تعریفی از خاص می‌باشد با متمرکز شدن و فضای دربرگیرنده فعالیت‌های عمومی اعتباری خاص به آن می‌بخشد.

۵- اصل عدم تمرکز: فضاهای شهری در عین تمرکز، در مجموعه شهر توزیع شده‌اند. پراکندگی شهری موجب می‌شود که بیانی واحد در مکانهایی متفاوت به کار گرفته شود

۶- اصل تجمع: جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه به آن می‌بخشد مفهومی که از چارچوب مکان خارج می‌شود و هویتی فضایی به مکان می‌بخشد. (هویتی ... که در فضای مابین آن‌ها تعریف می‌شود نه در عناصر پیرامون مکان).

۷- اصل تباین: ناهمگونی عناصر و فضاهای شهری و در عین حال آهنگین بودن آن‌ها در ارتباط با دیگر عناصر و فضاها، اصلی است که فضای شهری را از یکسانی و بی هویتی می‌رهاند و با استفاده از این اصل فضاهای متباین شهری نقشی اصلی در هویت بخشیدن به شهر ایفا می‌کنند.

۸- اصل اتصال: هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاهاست.

۹- اصل توازن: قرار گرفتن موزون و سازگار فعالیت‌ها در کنار هم و تغییر موزون فرم‌ها. شهر در موزونی فضاها و بناهای متشکله آن تعریف می‌شود؛ در موزونی روابط فضایی، اشکال و فعالیت‌ها. چنانچه علی‌رغم عزم و مقیاس بزرگ - به ایجاد فضای انسانی می‌انجامد که تعادل فضائی مسیر خواهد شد بی آن که تقارنی مطرح باشد.

۱۰- اصل تناسب: ارتباط متناسب بین اجزا و عناصر؛ نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و ساختمان‌ها، نسبت فضاهای انباشته و تهی، نسبت سایه و روشن، نسبت محدودیت و بیکرانگی، نسبت انسان و فضا ... که زیبایی جهان در تناسب آن معنا می‌شود.

۱۱- اصل تداوم: پیوستگی و استمرار ارتباطی فضاها میان مراکز و ساختمان‌ها که در مکان و زمان با رفتارهای اجتماعی، فرهنگی معنایی دیگر می‌یابد. اصل تداوم امری که در حال اتفاق می‌افتد، سر در گذشته دارد و پای در آینده می‌گذارد. انقطاع در این تداوم معنا و سکون در این حرکت فهم می‌شود.



۱۲- اصل قلمرو [حریم]: هر فضای شهری از ذره فضا (مسکن) تا کلان فضا (شهر) حریمی خاص خود دارد حریمی که دامنه درون را به برون می‌گستراند و محدوده ای خاص از برون را متعلق به درون می‌کند. قلمرو مکانی می‌شود که در آن خودی و بیگانه تعریف می‌شود، حرمت نگاه داشته می‌شود و عبور از آن جز با اجازه میسر نخواهد بود.

۱۳- اصل سادگی: سادگی و صراحت فضای شهری، آن را قابل درک سریع می‌کند و زود آشنایش می‌سازد. بدین ترتیب و با پیروی از این اصل فضای شهری به نرمی در خاطر می‌نشیند و خیال‌انگیز می‌شود.

۱۴- اصل پیچیدگی: کاربرد نامعمول فضا، به منظور شاخص کردن آن، از اصل پیچیدگی تبعیت می‌کند و به این ترتیب فضا در عین سادگی پیچیده است بنابراین شکل ایجاد می‌شود؛ شکلی که وظیفه ای جز ایجاد خاطره‌ها و تداعی‌ها ندارد.

۱۵- اصل ترکیب: با ترکیب اضداد می‌توان فضایی متفاوت از آنچه معمول است، پدید آورد. دوام این ترکیب وقتی است که از تناسب برخوردار باشد و بتواند روابط متقابل و متناظر اجزا را به نمایش بگذارد.

۱۶- اصل استقرار: قرار گیری هر فضای شهری در متن شهر در مفهوم ساخت شهری معنا دارد در این مفهوم، «ساخت» یعنی مجموعه روابط متقابل اجزای یک کل با یکدیگر به گونه ای که هر واحد، بیشترین نقش را در برابر دیگر اجزا داشته باشد.

۱۷- اصل زمان: [نوشدن] بنا و فضای شهری در زمان‌های متفاوت جایگاه ویژه ای می‌یابد و در تبعیت از زمان فهمیده می‌شود. بنابراین آنچه در زمان دچار دگرگونی می‌شود، صورت است، نه محتوا. محتوای فضای شهری (چون محتوای واژه)، در بستر زمان چهره‌هایی متفاوت دارد.

۱۸- اصل ایجاد: از بنیادی‌ترین دستور العمل‌های زبان طراحی شهری در مکتب اصفهان است به گونه ای که فضای شهری چون زبان و بیان، از اسلوبی جذاب پیروی می‌کند که بتواند گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند.

اصول فوق در واقع قواعد سازماندهی فضائی - مکانی واحدها و فضاهای شهری هستند که برخی از آن‌ها را می‌توان در شهرسازی‌های نقاط دیگر جهان نیز یافت. (ر.ک به خصوصیات شهرهای اروپایی در قرون وسطا، لئوناردو بونه ولو).



در ارائه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی آنچنانچه از واژه ترکیبی آشکار است بایستی این الگو مبتنی بر آموزه‌ها و باورهای اسلام و برگرفته از تجارب و روش‌های مردم ایران باشد البته لحاظ شرایط و اقتضائات دوران معاصر امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است.

به این ترتیب با استفاده از چارچوب نظری و مفاهیم بنیادی دین به عنوان یک دستگاه هدفدار و منسجم، اصول اساسی در حوزه‌های مختلف از جمله در برنامه ریزی فضایی - مکانی استخراج گردد و با توجه به زمان، اقلیم و بوم هر سرزمین و تجارب صحیح ساکنان و وارثان آن و به ویژه در نظر داشتن زمینه‌ها و علوم مرتبط دیگر (فرهنگی، اقتصادی و...) اصول اجرایی تدوین شود. در این نوشتار مرحله شناخت اصول میراث تمدنی و درواقع بازشناسی مبانی حکمی و قواعد طراحی دستاوردهای گذشتگان به عنوان یک تجربه در ۱۸ اصل مطرح شد که البته فرآیند اشاره شده در صدر همین بخش یعنی استخراج اصول اساسی از دین و لحاظ شرایط و ضروریات معاصر خاستگاه و جایگاه دیگری را می‌طلبد؛ آنگاه مرحله بعدی تعریف و تدوین ضوابطی تفصیلی بر اساس اصول فوق خواهد بود.

از آنجایی که جوان نیروی اصلی دگرگونی اجتماعی است و از سویی گسست فرهنگی و تاریخی بین نسل جوان و میراث تمدنی مشاهده می‌شود لازم است تا ارتقای آگاهی و دانشی با رویکرد اشاره شده (به منظور بازتولید مکتب تمدن ساز) صورت پذیرد تا با مشارکت جوانان، زمینه سازی برای ایفای رسالت آنان در تأمین آینده پیشرفته کشور ایجاد گردد. با این زمینه سازی امکان بروز خلاقیت‌ها و ابتکارات جوانان و تبادل نظر در بین آنان و ظرفیت سازی برای مطالبه و اجرای الگو توسط نسل آینده‌ساز جامعه فراهم می‌شود تا شهر و وطن ما بگونه ای ساخته شود تا موطن اصلی ما را یادآور باشد که: حب الوطن من الایمان

این وطن مصر و عراق و شام نیست این وطن شهری است کان را نام نیست

زان که از دنیا است این اوطان تمام مدح دنیا کی کند خیرالانام

حب دنیا هست رأس هر خطا از خطا کی می‌شود ایمان عطا

تو در این اوطان غریبی، ای پسر خوب غربت کرده ای، خاکت به سر

آنقدر در شهر تن ماندی اسیر کان وطن یکباره رفتت از ضمیر

رو بتاب از جسم و جان را شاد کن موطن اصلی خود را یاد کن

... تا به چند، ای شاه باز پر فتوح باز مانی دور از اقلیم روح؟

حیف باشد از تو، ای صاحب هنر کاندرا این ویرانه ریزی بال و پر

جهد کن این بند از پا باز کن بر فراز لامکان پرواز کن.



۹. منابع و ماخذ:

- (۱) آیت الله زاده شیرازی، باقر، (۱۳۸۷)، ایران و جهان اسلام از نگاه اصفهان در شهرموزه نقش جهان، ماهنامه دانش نما، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، اصفهان، شماره ۱۶۱-۱۶۲
- (۲) اهری، زهرا، (۱۳۸۵)، مکتب اصفهان در شهرسازی (دستور زبان طراحی شالوده شهری)، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران
- (۳) پیر نیا، محمد کریم، (۱۳۸۴)، سبک شناسی معماری ایرانی، انتشارات سروش دانش، تهران
- (۴) حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۴)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- (۵) حبیبی، سید محسن، (۱۳۸۸)، مکتب اصفهان در شهرسازی، ماهنامه دانش نما، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، اصفهان، شماره ۱۶۷-۱۶۹
- (۶) شفقی، سیروس، (۱۳۸۱)، جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان
- (۷) نقی زاده، محمد، (۱۳۸۶)، ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان
- (۸) ماهنامه دانش نما، مجموعه مقالات، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان، اصفهان، شماره‌های ۱۶۱-۱۶۲ و ۱۶۷-۱۶۹

